

چرخه قدرت در سیستم بین‌المللی پیچیده و آشوبی و راهبردهای نقش‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

فرهاد قاسمی^۱

دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

عبدالحمید صلح‌جو

دکتری روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۰/۳۰)

چکیده

چرخه قدرت و فشارهای سیستمی ناشی از آن، در درون سیستم بین‌الملل آنارشیک، نقش‌یابی را در کانون طراحی راهبرد کلان کشورها قرار می‌دهد. تحول سیستم بین‌الملل از ساده به سیستمی پیچیده و آشوبی، چرخه قدرت و راهبردهای نقش‌یابی در آن را با ویژگی‌های نوینی از جمله تعریف در گستره شبکه‌ای و بر مبنای قدرت هوشمند شبکه‌ای همراه ساخته است. مقاله حاضر با توجه به ناکارآمدی ادبیات موجود در روابط بین‌الملل در تبیین چرخه قدرت و راهبردهای نقش‌یابی در سیستم‌های یادشده، سعی در ارائه مدل نظری نوین دارد. در این زمینه، شبکه به‌عنوان سازه سیستم بین‌الملل و چارچوب اساسی نقش‌یابی، پویایی و تنوع چرخه قدرت در سیستم شبکه‌ای و کارکرد شبکه در لبه آشوب؛ پویایی نقش‌یابی؛ و فشارهای سیستمی - شبکه‌ای و نقش‌یابی از طریق شبکه‌سازی؛ در کانون تحلیلی مقاله حاضر قرار دارد. از سوی دیگر، ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای در حال رشد، با موضوع نقش‌یابی در وضعیت فشارهای سیستمی روبه‌روست که در ادبیات موجود، به آن توجه جدی نشده است. مقاله حاضر با بهره‌گیری از مدل نوین نظری که تدارک دیده است، چرخه قدرت و راهبردهای نقش‌یابی ایران را بررسی می‌کند. شبکه‌سازی، دیپلماسی شبکه‌ای و بازدارندگی شبکه‌ای، سه مدل نوآورانه مقاله در مورد نقش‌یابی ایران در وضعیت سیستم بین‌المللی پیچیده و چرخه قدرت در آن است.

واژه‌های کلیدی

ایران، چرخه قدرت، سیستم بین‌المللی پیچیده-آشوبی، نقش‌یابی.

۱. مقدمه

رابطه میان چرخه قدرت و نقش سیستمی بازیگران، از پرسش‌های اساسی در روابط بین‌الملل است. تکامل این پرسمان در وضعیت پیچیدگی و آشوب، موضوع فرایند نقش‌یابی منطقه‌ای ایران به‌عنوان یکی از واحدهای سیستم بین‌الملل است. سیستم نوین بین‌المللی از نوع آنارشیک با رقابت برای نقش‌یابی در آن، تابعی از قوانین بنیادین سیستمی از جمله اصل قدرت است. فقدان اقتدار مرکزی و پویایی قدرت سیستمی، چرخه قدرتی را ایجاد می‌کند که جایگاه واحدها در آن، عامل اساسی در فرایند نقش‌یابی است. فرایند چرخه قدرت ایران از عصر باستان تاکنون نیز براساس همین قاعده تبیین می‌شود که طی آن، در برخی دوره‌ها ایران بر چرخه جهانی یا منطقه‌ای قدرت مستولی شده و در برخی دوره‌ها، امنیت، استقلال و تمامیت ارضی آن، تحت تأثیر موانع و محدودیت‌های چرخه جهانی قدرت قرار داشته است.

تا قبل از ورود اسلام، ایران قدرت برتر یا یکی از دو قدرت برتر جهانی بود. با سقوط ساسانیان و فروپاشی ساختار یکپارچه داخلی، بخش‌های مختلف کشور، تحت مدیریت خلفای اسلامی قرار گرفت (بیانی، ۱۳۸۱: ۱۷۱، ۹۱؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۱۰۰). با تأسیس طاهریان در سال ۲۰۵ق، به مدت هفت قرن سلسله‌های مختلف بر ولایات ایران حکومت کردند، اما صفویه، اولین حکومت مستقل و یکپارچه ایرانی، در سال ۹۰۷ق بر پایه مذهب تشیع تأسیس شد و ایران را به‌عنوان یک قدرت بزرگ در کنار عثمانی و اروپا قرار داد. این وضعیت، با فراز و نشیب‌هایی تا دوره زندیه ادامه یافت (مهدوی، ۱۳۸۳: ۴-۲). با تأسیس قاجاریه در سال ۱۲۰۰ق، با وجود توسعه نسبی کشور، ایران در یک سیر نزولی قدرت، در نهایت به کشوری تبدیل شد که نه تنها نقش منطقه‌ای، بلکه چرخه قدرت ملی آن نیز تحت الزامات چرخه جهانی و کنترل کارگزاران آن قرار گرفت و در نظام دوقطبی، نقش قدرت برتر منطقه‌ای را در قالب اتحاد راهبردی با آمریکا کسب کرد. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، وضعیت ایران در سیستم بین‌المللی از تبعی-حمایتی به چالشگر نظم موجود تغییر یافت. فروپاشی نظام دوقطبی و قرار گرفتن آمریکا در رأس قدرت جهانی، این وضعیت را تشدید کرده و ج.ا.ایران، فرایند نقش‌یابی منطقه‌ای خود را در بستر تهدیدها و فرصت‌های ناشی از تحولات مذکور دنبال کرد. با توجه به کارکرد پویا قدرت در قالب چرخه سیستمی، پرسش اساسی این است که رابطه میان چرخه قدرت و نقش‌یابی سیستمی چگونه تعریف می‌شود؟ و در حوزه میدانی، چرخه قدرت سیستمی چه تأثیری بر نقش‌یابی منطقه‌ای ایران به‌عنوان عضوی از شبکه منطقه‌ای خاص در سیستم بین‌الملل دارد؟

چرخه قدرت در سیستم بین‌الملل، موضوع گذار، فشارهای سیستمی و راه‌های مقابله‌ای با آن را در کانون ادبیات روابط بین‌الملل قرار داده و این فرضیه مطرح می‌شود که گذار در

چرخه قدرت و فشارهای سیستمی ناشی از آن، دستیابی به نقش‌های نوین را ضروری می‌سازد و در این زمینه، تکامل بخشی به شبکه‌های منطقه‌ای و ایجاد سیستم بازدارندگی، عامل گذار در چرخه قدرت و دستیابی به نقش‌های سیستمی نوین است. این روند با ایجاد موازنه شبکه‌ای با رقیب، و تثبیت ارتباطات شبکه‌ای در حوزه‌های مختلف، می‌تواند شرایط را برای کسب نقش مورد نظر ج.ا.ایران و پذیرش سیستمی آن فراهم آورد.

پژوهش حاضر با محوریت بخشیدن به پدیده چرخه قدرت در سیستم بین‌الملل، نقش‌یابی منطقه‌ای را در ارتباط مفهومی و میدانی با این پدیده تبیین می‌کند. بر این اساس، پس از بررسی ادبیات موجود، مبانی نظری پژوهش با استفاده از نظریه‌های چرخه‌ای معطوف به قدرت و نقش تبیین می‌شود. سپس با نگرش شبکه‌ای به فرایندهای سیستمی، شبکه منطقه‌ای ج.ا.ا. ترسیم و چرخه قدرت و کارگزاران آن تعریف می‌شود. در ادامه، الزامات سیستمی، راهبرد شبکه‌سازی و بازدارندگی شبکه‌ای بیان گردیده و در پایان، نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۲. ادبیات موضوعی

چرخه‌ای بودن پدیده‌های سیاست بین‌الملل، در آثار گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است. گلدشتاین، چرخه‌های اقتصادی کندراتیف، و چرخه‌های طولانی‌تر هژمونی و جنگ هژمونیک را مطرح کرده (Goldstein, 1988) و نظریه نظام جهانی والرشتاین، به چرخه هژمونی براساس چرخه‌های طولانی مدت کندراتیف پرداخته است (Wallerstein, 1979, 2011). مدلسکی با نظریه چرخه رهبری، به چهار نظام سیاسی جهانی ناشی از جنگ‌های جهانی، به رهبری پرتغال، هلند، بریتانیا و آمریکا اشاره می‌کند (Modelski & Morgan, 1985). ارگانسکی نیز نظریه انتقال قدرت را در بستر سلسله‌مراتب قدرت جهانی و براساس ارتباط بین چرخه قدرت ملی با چرخه سیستمی و وقوع جنگ‌ها مطرح کرده است (Organski & Kugler, 1958; Organski, 1981). داگلاس لمکه، انتقال قدرت ارگانسکی را در قالب مدل سلسله‌مراتب چندگانه با یک قدرت مسلط در رأس آنها، مفهوم‌پردازی کرده است (Lemke, 2002; Lemke & Werner, 1996). نظریه ثبات هژمونیک گلپین نیز نوعی چرخه هژمونی را با استفاده از قانون بازده نزولی تبیین می‌کند (Gilpin, 1988). چرخه قدرت به‌عنوان یک نظریه در روابط بین‌الملل، و ارتباط آن با نقش در دینامیک گذار قدرت سیستمی، در اندیشه چارلز دوران مفهوم‌پردازی شده است (Doran, 1996).

در حوزه نقش و نقش‌یابی نیز تعریف نقش (holsti, 1970: 238)؛ عناصر مفهومی و میدانی دخیل در فرایند شکل‌گیری نقش سیستمی (9: harnish, 2011; 5: Ole, 2006)؛ گونه‌بندی نقش در روابط بین‌الملل (holsti, 1970: 260)، لانمن (Lahneman: 101) و اگستام (صلواتی، ۱۳۹۴: ۲۴) مورد

توجه قرار گرفته و برخی نیز بر مبنای سطوح تحلیل روابط بین‌الملل، رویکردهای کارگزارمحور، ساختارمحور و دیدگاه ترکیبی را مفهوم‌پردازی کرده‌اند (Lahneman, Krotz: 6; Thies, 2009:3; 2003:97-98; هارنیش، دو مفهوم نقش‌یابی و نقش‌سازی را در قالب نظریه نقش و یادگیری سیاست خارجی مطرح کرده (Harnisch, 2012). و نقش را به‌عنوان یک رهیافت، در روابط بین‌دولت‌ها توسعه داده است (Harnisch, 2011). یانگ (Young, 2003) و لانمن (Lahneman, 2003) نیز چرخه قدرت - نقش یا گذار نقش و قدرت در اندیشه دوران را توسعه داده‌اند. در مجموع، آثار موجود در موضوع چرخه قدرت-نقش، وضعیت پیچیدگی سیستم بین‌المللی و راهبردهای نقش‌یابی منطقه‌ای را در ارتباط با آن، مورد بحث قرار نداده‌اند.

۳. مبانی نظری

نقش‌یابی، کانون نظری مطالعات سیاست خارجی علم روابط بین‌الملل (Doran, 1989; Harnisch, 1987; Frank, & Maull, 2011; Walker, 1987) و از مباحث ضروری در کارکرد چرخه‌ای دینامیک قدرت، همچنین فشارهای سیستمی است. علاوه بر این، تحول و تکامل، از ویژگی‌های سیستم نوین بین‌المللی است (Auyang, 1999; Burian & Richardson, 1996; De Greene, 1996; Feistel & Ebeling, 1989) و با نگرش سیستمی به روابط بین‌الملل، در بین سه پارادایم متمایز سنتی-خطی با ویژگی نظم؛ غیرخطی با ویژگی پیچیدگی؛ و آشوب با ویژگی نوسانی (Kavalski, 2007, 2015)، می‌توان گفت سیستم نوین بین‌المللی، از نوع پیچیده و آشوب است (Bertuglia & Vaio, 2005). سیستم‌های پیچیده در لبه آشوب قرار داشته و در عین حال، ظرفیت کافی برای تغییر و سازگاری با شرایط جدید را دارند که در آن، نظم، در خلال نوسانات ایجاد می‌شود و این ویژگی‌ها، قابلیت ایجاد گذارهای سیستمی را ایجاد می‌کند (Modelski, 1996).

پدیده پیچیدگی، مفروضات کلاسیک درباره منطقه‌گرایی و عنصر جغرافیا را به چالش می‌کشد و بر کاهش نقش قدرت خارجی و توانایی سایر واحدها در تعریف مناطق، مرزبندی و کارویژه‌های آنها تأکید می‌کند. بر این اساس، نگرش شبکه‌ای، برای تبیین تحولات میدانی سیستم نوین بین‌المللی مطرح می‌شود. شبکه دارای گره‌ها (واحدهای عادی)، حلقه‌ها و واحدهای مرکزی، با حداقلی از پیوند است که در آن، مناطق سنتی صرفاً گره یا حلقه‌ای در درون شبکه هستند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۴۹-۱۴۶). ساخت شبکه‌ای در سیستم نوین بین‌الملل به علت کارکرد نیروهای ژرف قدرت، اقتصاد و فرهنگ، و ماهیت ارتباطاتی مبتنی بر آنها، در گونه‌های مختلف ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی، و ژئوکالچری تعیین می‌یابند و هر کدام ضمن تحمیل مرزبندی خاص بر سیستم، در تلاقی با یکدیگر شبکه متداخلی را شکل می‌دهند.

چرخه قدرت در سیستم‌های پیچیده آشوبی، در گستره شبکه‌ای و بر مبنای قدرت هوشمند شبکه‌ای تبیین می‌شود و دینامیک رشد قدرت کشورها، علاوه بر منابع و مؤلفه‌های داخلی قدرت، معطوف به جغرافیای پیرامونی نیز است. هوشمند بودن قدرت، بیانگر تنوع در منابع و ترکیب آنها؛ و شبکه‌ای بودن، به معنای ارتباط محورشدن سازه‌ها و فرایندهای سیستم بین‌الملل است (Wilson, 2008). در این زمینه، علاوه بر حوزه سنتی قدرت ژئوپلیتیکی، حوزه‌های ژئواکونومی و ژئوکالچر نیز در دینامیک رشد خارجی قدرت مطرح شده و در بستر پیوندها و ارتباطات واحدها در حوزه‌های سه‌گانه مذکور، نوعی قدرت با عنوان قدرت شبکه‌ای، جایگزین قدرت به مفهوم سنتی می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

نقش، تابعی از قدرت است و پیوستگی دینامیک‌های مذکور با ثبات سیستمی را می‌توان با استفاده از مفهوم شکاف قدرت-نقش چالز دوران، در قالب معادله سه‌وجهی قدرت، نقش و رضایت، تبیین کرد (C. F. Doran, 2000; C. F. Doran, 1989, 1991; C. F. Doran & Parsons, 1980). رضایت از طریق همترازی قدرت ساختاری و قدرت عملیاتی با نقش اعلامی و نقش انتسابی حاصل شده و به ثبات منجر می‌شود، و اشکال مختلف ناهمترازی مؤلفه‌های چهارگانه، سیستم را در وضعیت ثبات ناپایدار و یا شبه ثبات قرار می‌دهد که می‌تواند به جنگ عمده برای ایجاد همترازی مجدد بینجامد (Lahneman:101-3). از سوی دیگر، ایجاد نقش‌های جدید، مستلزم توجه به ویژگی پیچیدگی و آشوبی بودن سیستم بین‌الملل است و پیروی از قواعد کارکردی پیچیدگی (Andriani, 2004; Bousquet & Curtis, 2011; Érdi, 2007)، از جمله شبکه‌سازی و ایجاد سیستم‌های تقویت‌کننده ثبات راهبردی در آن، از جمله الزامات و راهبردهای نقش‌یابی در وضعیت پیچیدگی چرخه سیستمی قدرت است. از سوی دیگر، فشارهای سیستمی در سیستم‌های پیچیده-آشوبی، ویژگی اساسی و پدیده دائمی است و نقش‌یابی را به‌عنوان پدیده‌ای پویا، دائمی و اساسی با راهبردهای خاص، در پاسخ به فشارهای سیستمی الزامی می‌سازد. در مجموع، با وجود ضعف اساسی ادبیات روابط بین‌الملل در این خصوص، رابطه چرخه قدرت و نقش‌یابی بر پایه نظریه پیچیدگی را می‌توان در محورهای زیر تبیین کرد:

۱. شبکه به‌عنوان سازه سیستم بین‌الملل و چارچوب اساسی نقش‌یابی؛
۲. پویایی و تنوع چرخه قدرت در سیستم شبکه‌ای و کارکرد شبکه در لبه آشوب؛
۳. پویایی نقش‌یابی به‌دلیل پویایی چرخه قدرت و کارکرد سیستم در لبه آشوب؛
۴. فشارهای سیستمی - شبکه‌ای به‌عنوان پدیده دائمی و نقش‌یابی به‌عنوان راهبرد تعیین جایگاه در شبکه و مقابله با فشارهای سیستمی؛
۵. تکامل شبکه‌ای و نقش‌یابی از طریق ثبات‌سازی شبکه و پایدارسازی نقش.

۴. شبکه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

شبکه منطقه‌ای ج.ا. ایران دربرگیرنده سازه‌ها و فرایندهایی است که ویژگی‌های معینی به دینامیک قدرت، چرخه‌های ناشی از آن و در نهایت نقش‌یابی واحدها می‌بخشد. شبکه‌ها از بعد سازه‌ای، خوشه‌ای هستند و نوع پیوند میان خوشه‌ها، سازه‌های سامان‌یافته، تصادفی و فاقد معیار را سبب می‌شود (Andriani, 2004). سازه منطقه‌ای ایران به‌شدت خوشه‌ای است که شبکه ژئوپلیتیک و ژئواکونومی را بر محور منافع؛ و ژئوکالچر را بر محور خویشاوندی شکل می‌دهد. شبکه ژئوپلیتیک در زیرشبکه‌های دریایی و سرزمینی و هوافضا، بر پایه ارتباطات قدرت محور و براساس کدهای عملیاتی مبتنی بر شناسایی تهدیدها و فرصت‌ها، همچنین راهبردهای حمایتی و مقابله‌ای با دوستان و دشمنان شکل می‌گیرد. بر همین اساس، ژئوپلیتیک دریایی ج.ا. ایران در شمال، کشورهای حوزه دریای خزر را شامل می‌شود. اهمیت سنتی خوشه جنوبی در گستره آب‌های خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، با استقرار نظام جمهوری اسلامی و تقابل ژئوپلیتیکی با آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن، مضاعف شد و این امر، در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، مورد توجه خاص قرار گرفت (farsi.khamenei.ir.1394/9/8). در حال حاضر کشورهای حاشیه خلیج فارس و یمن، اعضای خوشه مذکور محسوب می‌شوند و تنگه‌های هرمز، باب‌المندب و مالاکا، کانون‌های اساسی آن، و عربستان رقیب منطقه‌ای ایران در این حوزه است. ژئوپلیتیک سرزمینی نیز در خوشه باختری، عراق و ترکیه، و در خوشه شامات، سوریه، لبنان و فلسطین را شامل می‌شود. تحولات روابط ایران با عراق، همچنین موضوع فلسطین و اسرائیل، از عوامل پویایی خوشه‌های مذکور بوده‌اند. در حال حاضر، ترکیه در مدیریت نظم منطقه‌ای، و عربستان در کانون‌های مناقشات میدان، رقیب ایران محسوب می‌شوند و آمریکا و اسرائیل از مهم‌ترین تهدیدهای ایران هستند. در خوشه خاوری، اولویت‌های ژئواکونومیک، شدت ستیزش‌ها را کاهش می‌دهد، با این حال، جنگ‌های داخلی افغانستان و حضور سیاسی، نظامی آمریکا در این کشور، توانمندی هسته‌ای پاکستان، ورود اشرار و تروریست‌ها، و ترانزیت مواد مخدر، از چالش‌های امنیتی ایران در این حوزه هستند. در خوشه شمالی شامل آسیای مرکزی و قفقاز، روسیه قدرت مسلط، و چین دارای نفوذ بالای اقتصادی است و با توجه به مشارکت راهبردی ایران با این دو کشور، زمینه‌های ستیزش در این خوشه ظهور نکرده است.

شبکه ژئوکالچر براساس توزیع جغرافیایی عناصر هویتی خویشاوندساز و راهبردهای انسجام‌بخشی بین واحدهای خویشاوند تعریف می‌شود. بر این اساس، در شبکه منطقه‌ای ایران، ژئوکالچر اسلامی شامل ۵۷ عضو سازمان همکاری کشورهای اسلامی (www.oic-oci.or) و همه مسلمانان ساکن در ۲۰۸ کشور جهان با اکثریت اهل سنت است (www.cia.gov). خوشه

تشیع نیز اغلب در خاورمیانه، خلیج فارس و شبه‌قاره گسترده است. در این بین، ایران تنها دولت شیعه در مرکز قلمروهای شیعی جهان است و کشورهای عراق، آذربایجان و بحرین با اکثریت شیعه؛ و کشورهای عمان، کویت، عربستان سعودی، یمن، لبنان، سوریه، امارات، افغانستان، پاکستان، هند و ترکیه، با اقلیت شیعه در همسایگی یا پیرامون ایران قرار دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۸۰).

شبکه ژئواکونومی نیز بر محور فرصت‌ها و ویژگی‌های اقتصادی پیوندساز، و راهبردهای ایجاد پیوند بین کشورها تعریف می‌شود. در این زمینه، ذخایر نفت و گاز، سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان، تسلط بر تنگه هرمز، و ارتباط با آب‌های آزاد جهان، فرصت‌های پیوندسازی ایران در جنوب است. در این خوشه، شورای همکاری خلیج (فارس) نوعی شبکه رقیب ایران تلقی می‌شود. در خوشه شمالی نیز علاوه بر منابع انرژی منطقه، موقعیت پیوندساز ایران بین آسیای مرکزی، قفقاز و گستره شمالی خزر با خلیج فارس و آب‌های آزاد؛ همچنین موقعیت منطقه قفقاز در پیوند ایران با روسیه و شرق اروپا و سواحل دریای سیاه مطرح می‌باشند. عضویت متداخل کشورهای منطقه در پیمان‌ها و سازمان‌های اقتصادی-سیاسی مانند اگو و شانگهای نیز از ویژگی‌هایی است که با توجه به عدم تعارض ژئوپلیتیکی در این حوزه، در مجموع، عامل مؤثری در توسعه شبکه‌ای این خوشه نسبت به جنوب است.

با جمع‌بندی مبانی نظری و داده‌های میدانی، ویژگی‌های شبکه منطقه‌ای ایران عبارت‌اند از:

۱. خوشه‌ای بودن همراه با گسست پیوندی میان خوشه‌ها، و فاقد سنجه بودن شبکه؛
۲. فشارهای درون و برون شبکه‌ای به دلیل ضعف داخلی؛
۳. تنوع چرخه‌های قدرت خوشه‌ای، و تلاقی تعارضی و فشارهای ناشی از آن؛
۴. بی‌ثباتی راهبردی در شبکه و به هم ریختگی نقش‌ها؛
۵. تکامل شبکه‌ای، نقش‌یابی پویا و بازدارندگی به عنوان راهبرد اصلی در نقش‌یابی.

۵. چرخه قدرت در شبکه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

تنوع خوشه‌ها در حوزه‌های ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومی، همراه با ویژگی تداخل و همپوشانی حوزه‌های سه‌گانه، شبکه‌ای متشکل از شبکه‌ها را شکل می‌دهد و کانونیت این شبکه در سیستم جهانی، پدیده قدرت مداخله‌گر را مطرح می‌سازد. این پیوندهای شبکه‌ای، یک سیستم چندپیکری جهانی تعریف را خواهد کرد که چرخه قدرت شبکه منطقه‌ای ایران در آن شکل می‌گیرد. در یک نگاه کلی می‌توان گفت ایران، ترکیه و عربستان، کارگزاران چرخه قدرت در شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران هستند و جایگاه آنها نیز براساس منابع در اختیار، نقش پیوندی، و قدرت شبکه‌سازی تعیین می‌شود.

در حوزه ژئوپلیتیک و براساس ترکیب شاخص‌های قدرت نظامی، ترکیه، ایران و عربستان، در رتبه‌های نهم، سیزدهم و بیست‌وششم جهان قرار می‌گیرند و گزارش‌های آماری حاکی از صعود ایران، و نزول ترکیه و عربستان در سال اخیر (۲۰۱۸) است. در عین حال، در ارزیابی‌های بخشی و از حیث تجهیزات نظامی، در بخش زمینی و هوایی، ایران بعد از ترکیه، و در بخش دریایی و از مجموع اقلام مربوط، بالاتر از کارگزاران منطقه‌ای، در جایگاه چهارم جهان قرار می‌گیرد (www.globalfirepower.com). همچنین از حیث نیروی انسانی، ایران در رده هشتم؛ و ترکیه پانزدهم جهان، در آمادگی برای عملیات رزم قرار گرفته‌اند (www.businessinsider.com). ارزیابی قدرت عملیاتی کارگزاران (Lahneman, 2003: 101)، با معیار کنترل بر بازیگران و کنترل بر وقایع (Hart, 1976: 289) نیز حاکی از برتری ایران در کانون‌های تقابل ایران با رقبای منطقه‌ای و جهانی مانند جنگ هشت‌ساله، عرصه سیاسی و نظامی لبنان، بحران داعش در عراق و سوریه، و جنگ داخلی یمن بوده است.

در حوزه ژئوکالچری، با وجود برتری عناصر و منابع قدرت عربستان، راهبرد وحدت اسلامی ایران، ضمن گسترش قدرت عملیاتی کشور و تقویت انسجام ژئوکالچر اسلامی، نوعی بازدارندگی فرهنگی در مقابل چالش‌های درون‌شبکه‌ای شیعیان اعمال کرده و هم‌افزایی مثبت خوشه‌ها نیز قدرت ژئوکالچری ایران را افزایش داده است. تأسیس نهادها و برگزاری نشست‌های بین‌مذهبی، همچنین تظاهرات حمایت از قدس در آخرین جمعه ماه رمضان در بیشتر کشورهای مسلمان‌نشین، از جمله نتایج این راهبرد است. همچنین تحولات ژئوپلیتیک در عراق، سوریه و یمن ظرفیت‌های ژئوکالچری خوشه تشیع را فعال کرد و در عراق، اجتماعات بزرگ در حرم‌های شریف ائمه معصومین (ع) به‌ویژه راهپیمایی اربعین، به نماد قدرت تبدیل شد. این ظرفیت‌های فرهنگی مورد استناد برخی تحلیلگران منطقه‌ای برای معرفی ایران به‌عنوان قدرتمندترین بازیگر در عراق، قرار گرفته است.^۱

در حوزه ژئواکونومی و براساس مؤلفه‌های قدرت اقتصادی کارگزاران، گزارش صندوق بین‌المللی پول از دو شاخص عمده GDP و PPP در سال میلادی ۲۰۱۷، و چشم‌انداز پنج‌ساله آن، سه کشور ترکیه، عربستان و ایران را به‌ترتیب در رده‌های اول تا سوم منطقه قرار می‌دهد (statisticetimes.com). در ذخایر و تولید نفت، عربستان اول، و ایران دوم است، اما رتبه نخست ذخایر و تولید گاز منطقه در اختیار ایران بوده و عربستان پس از قطر، سوم است. ترکیه اصولاً با فقر منابع انرژی مواجه است. این نسبت‌ها در سطح جهانی نیز برقرار است (علی‌نژاد و کرمان، ۱۳۹۵). براساس مزیت ارتباطی در ژئواکونومی جهانی و منطقه‌ای نیز ایران موقعیت ذاتی

۱. گزارش تحلیلی مارکو کارنلوس دیپلمات سابق ایتالیایی <https://www.mashreghnews.ir/97/4/27>

و تاریخی دارد نه نقش تحمیلی و مقطعی. ایران در حد فاصل دو حوزه خلیج فارس و دریای خزر با بیش از ۷۰ درصد ذخایر انرژی جهان قرار دارد؛ منطقه‌ای که تکیه‌گاه سایر قلمروهای ژئواکونومیک قلمداد می‌شود و دیگر کارگزاران از موقعیت ایران در این گرانیگاه ژئواستراتژیک جهان بهره‌مند نیستند (مینایی، ۱۳۸۴: ۱۴). با این حال، ترکیه با اجرای سیاست چهارراه انرژی، بیشترین بهره را از انتقال انرژی کشورهای نوین‌آسیای میانه و قفقاز به بازارهای جهانی برده (فلاح پشه، ۱۳۹۴: ۴۹) و ظرفیت‌های ایران در این بخش، همچنین انتقال گاز به هند از طریق پاکستان، و نقش پیوندی در کریدور شمال-جنوب به‌ویژه در پروژه جاده ابریشم جدید چین، تاکنون به فعلیت نرسیده است و در این موارد، بازدارندگی آمریکا، مانع عمده محسوب می‌شود.

در مجموع، الگوی نظم نامتقارن و چندسطحی، و تنوع نقش‌های کارگزاران در شبکه منطقه‌ای ایران، موجب می‌شود که استیلا، جای خود را به مزیت و مرکزیت در کانون‌های مختلف دهد و چرخه قدرت در این شبکه نیز محصول رقابت‌های چندکانونی باشد.

۶. نقش‌یابی و الزامات سیستمی در شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران

فرایندهای نقش‌یابی در شبکه منطقه‌ای ایران، بر محور کاهش فشارهای سیستمی و دستیابی به قدرت کنترلی قرار دارد و واحدهایی می‌توانند در سیستم‌های کنترلی مشارکت کنند که از مرکزیت شبکه‌ای برخوردار باشند. مرکزیت بخشی نیز با تکیه بر پیوندسازی و ثبات‌سازی شبکه‌ای تحقق می‌یابد. این روند، با اقدامات بازدارنده شبکه‌ای هژمون مسلط جهانی مواجه شده و در مقابل، مستلزم راهبردها و سازوکارهای بازدارنده شبکه‌ای است.

۶.۱. فشارهای سیستمی در شبکه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

فشارهای سیستمی، که در واقع، اقدامات مستمر کنترلی کارگزاران سیستم بین‌الملل برای حفظ نظم موجود است که با تغییر وضعیت دولت‌ها در محیط بین‌الملل در کنش با دولت‌های دیگر (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۰۱۱)، می‌تواند به فشارهای سیستمی تغییر ماهیت دهد. پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را در معرض فشارهای سیستم بین‌الملل قرار داد. نوع و شدت فشارها، تابعی از دینامیک چرخه‌های قدرت، به‌ویژه در سطح جهانی است.

در سطح جهانی، منزوی‌سازی، بلوکه کردن دارایی‌ها، اقدام نظامی برای آزادسازی گروگان‌ها، مشارکت در طراحی کودتا، رویارویی محدود نظامی و حمله به سکوها نفتی، و ساقط کردن هواپیمای مسافربری، از جمله فشارها هستند، اما تحریم‌ها، فشار سازمان‌یافته‌ای بود که از حوزه اقتصادی به سایر بخش‌ها گسترش یافت. با فروپاشی نظام دوقطبی و آغاز

یکجانبه‌گرایی آمریکا، فشارها شدت یافت و تمرکز بر فعالیت هسته‌ای ایران و ارجاع پرونده به شورای امنیت، به صدور قطعنامه‌های تحریم سازمان ملل منجر شد. حتی پس از توافق برجام برای رفع تحریم‌ها نیز توان موشکی ایران، همچنان موضوع اعمال فشار باقی ماند و دستاویز تحریم‌های یکجانبه آمریکا پس از خروج از برجام قرار گرفت. مقابله میدانی آمریکا با توسعه نفوذ منطقه‌ای ایران، عرصه دیگر اعمال فشار بوده است (نصر، ۱۳۸۶). حمایت از عراق در جنگ با ایران (جویس بتل، ۱۳۸۳)، حضور نظامی در افغانستان و عراق، مداخله در بحران داعش و تحکیم پایه‌های حضور در سوریه، حمایت از ائتلاف سعودی-اماراتی در یمن، و تضعیف حزب‌الله را می‌توان در همین قالب قرار داد.

سیستم منطقه‌ای و دینامیک قدرت آن، مجرا و عامل فشارهای سیستم جهانی بوده‌اند. با سقوط پهلوی، عراق در رأس چرخه قدرت منطقه‌ای، با حمایت سیستم جهانی و پشتیبانی شورای همکاری خلیج (فارس)، فشار علیه ایران را تا تحمیل جنگ هشت‌ساله، پیش برد. این ائتلاف، در پایان جنگ، از هم پاشید و پس از سقوط صدام، عربستان در نقش رقیب ایران در چرخه قدرت منطقه‌ای، نتوانست به‌تنهایی یا با حمایت قدرت مداخله‌گر آمریکا، فشار منطقه‌ای علیه ایران را مدیریت کند و بحران‌های جاری نیز به توسعه نفوذ و حضور منطقه‌ای ایران انجامید.

در سطح ملی، دینامیک رشد، بلوغ و زوال قدرت ایران، و حتی شاخص‌های قدرت در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی نیز در نوع و شدت فشارهای سیستمی مؤثر بوده‌اند. قطع روابط سیاسی آمریکا با ایران در شرایط نابسامان داخلی و خارجی؛ تهاجم عراق، در شرایط نزول شاخص‌های قدرت نظامی؛ تشدید تحریم‌ها در آغاز دوره سازندگی؛ و تمرکز آمریکا بر تحریم‌های اقتصادی پس از خروج از برجام، نمونه‌هایی از تناسب فشارها با شاخص مؤلفه‌های قدرت در چرخه ملی است. در عین حال، فشارهای پایدار در حوزه فرهنگی با راهبردهای جنگ نرم برای تضعیف پایه‌های قدرت ملی، همچنان تداوم داشته است.

به‌طور خلاصه و از منظر شبکه‌ای، منشأ فشارهای سیستمی علیه ایران در چند محور قرار می‌گیرد از جمله، چندکانونی بودن سازه شبکه و لایه‌های متداخل شبکه‌ای، پیوند با سایر شبکه‌های منطقه‌ای، تکامل دیگر شبکه‌ها در سطح منطقه و جهان و تعادل‌سازی و کنترل شبکه‌ای.

۲.۶. شبکه‌سازی منطقه‌ای؛ نقش‌یابی و کنترل فشارهای سیستمی

نقش‌یابی ج.ا.ایران در قالب منطقه‌گرایی شبکه‌ای صورت می‌پذیرد که در آن، اصل سرایت فشارها و خسارات وارده بر یک واحد به سایر واحدها، و همزمانی کارکرد شبکه با کارکرد

خاص اعضا مطرح بوده و کارآمدی کنترل نظم نیز ناشی از مدیریت بومی و هم‌افزایی مثبت درونی است. از سوی دیگر، با تغییر وضعیت یک کشور به چالشگر ناراضی، دو راهبرد کلی وجود خواهد داشت: تسلیم در برابر فشارهای کارگزاران سیستمی و رضایت به نقش از پیش تعریف‌شده؛ یا مقاومت و نقش‌یابی مستقل.

در طول تاریخ ایران، نقش‌یابی از بهترین مسیرهای راهبردی در مواجهه با فشارهای گوناگون سیستمی بوده است. نقش هژمونی امپراتوری هخامنشی، و بازیابی نقش مستقل منطقه‌ای و جهانی در عهد صفویه، نمونه‌های از توفیقات ایران در این زمینه بوده است، اما از عهد قاجار به این سو، ایران با تسلیم در برابر فشارهای سیستمی، نقش‌های متغیری را براساس کارکرد ژئوپلیتیکی کشور در استراتژی‌های جهانی پذیرفت و در فرایند انتقال آرام هژمونی جهانی انگلیس به آمریکا نیز نقش کارگزار یا ژاندارم منطقه‌ای در قالب طرح امنیتی بلوک غرب به پهلوی دوم واگذار شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران، واکنش مقاومتی و استقلال در فرایند نقش‌یابی را به‌عنوان راهبرد اصلی برای کنترل فشارهای سیستمی در پیش گرفت.

شبکه‌سازی، یکی از راهبردهای نقش‌یابی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی است که در فرایند تکاملی خود، به کنترل فشارها منجر خواهد شد. در این زمینه، هسته‌های پیوندی دودویی در خوشه‌های مختلف شکل می‌گیرند و با افزایش فشار سیستمی، واحدهای واجد به هم پیوندی بیشتر، شاخه‌های نظم را شکل می‌دهند و بدین ترتیب، واحدها روابط خود را برای رسیدن به نتایج بهتر ساماندهی دوباره می‌کنند تا شبکه‌ای ره‌آورد شود که نسبت به وضعیت یا شبکه موجود کارایی بیشتری داشته باشد (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۰۱۳). نقش‌یابی شبکه محور ایران براساس دینامیک قدرت در قالب مرکزیت، از طریق پیوندسازی سبب تعادل و ثبات راهبردی در خوشه‌ها می‌شود و با ایجاد انسجام و هم‌افزایی مثبت شبکه‌ای و تشکیل سیستم‌های جامع کنترلی، فرصت‌های تخریبی را از بازیگران مداخله‌گر سلب می‌کند.

۱.۲.۶. کدهای عملیاتی و پیوندسازی در شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران

شبکه‌سازی با هدایت کدهای عملیاتی که در واقع، فرصت‌ها و تنگناهای پاسخ به فشارهای سیستمی در حوزه‌های سه‌گانه برای بازیگران هستند، تکامل می‌یابد. در این زمینه مؤلفه‌های دوستی و دشمنی و راهبردهای مربوط در حوزه ژئوپلیتیک؛ مؤلفه‌های بهره‌برداری از منابع و مزیت‌ها در حوزه ژئواکونومی؛ و مؤلفه‌های خویشاوندساز در حوزه ژئوکالچری، گستره جغرافیایی و موضوعی تکامل شبکه را مشخص می‌سازد. همزمان‌سازی کدها در نقش‌یابی شبکه‌ای ج.ا.ایران، با انسجام سازه‌های شبکه‌ای، و ایجاد ثبات راهبردی جامع شبکه‌ای، فرصت تهدید سازی طرف‌های مقابل را در شبکه از بین خواهد برد.

در حوزه ژئوپلیتیک، موضوع فلسطین-اسرائیل، اشغال افغانستان، تهاجم عراق به ایران، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، فروپاشی شوروی و تحولات آسیای میانه و قفقاز، و بحران داعش، شبکه سازی ج.ا.ایران را هدایت کرده است. این فرایند در موضوع فلسطین، تحت الشعاع واقعیت های ساختاری مانند تعارض سیاسی-مذهبی با بازیگران دولتی، و تعارض هویت مذهبی با بازیگران غیردولتی این مناقشه، قرار گرفت و جنگ عراق با ایران نیز این تعارضات را تشدید کرد. با وجود این، در بین بازیگران دولتی، سوریه از ظرفیت های پیوندی برخوردار بود. حافظ اسد رئیس جمهور وقت سوریه در دیدار با آیت الله خامنه ای، اذعان داشت سوریه براساس این بینش که صهیونیست ها خطر بزرگی محسوب می شوند، حرکت می کند (farsi.khamenei.ir). در پی پیوند با سوریه، سازه شبکه ای ایران توسعه یافت؛ در لبنان، حمایت از جنبش شیعی امل به تشکیل حزب الله انجامید. در فلسطین، با مجموعه ساف ارتباط برقرار شد، اما این گفته رهبر انقلاب که عمق رابطه ما با گروه های فلسطینی، فقط به میزان پابندی آنان به اصل مقاومت مرتبط است (farsi.khamenei.ir)، به ایجاد و تحکیم پیوند با گروه های نوظهور جهاد اسلامی و حماس، و یک گروه شیعه با نام صابرین در غزه (فاضی، ۱۹/۴/۹۴) منجر شد.

اشغال افغانستان توسط شوروی که دارای اهداف کنترلی بر رفتار منطقه ای ایران نیز بود، قبل از آغاز، با مخالفت صریح امام خمینی مواجه شد (فاضلی، ۱۳۹۳: ۶۱) و گفته می شود که ایشان در اوج فشار ناشی از جنگ با عراق، درخواست وزیر خارجه شوروی مبنی بر قطع کمک به مجاهدان افغانی در ازای قطع ارسال تسلیحات به عراق را رد کرد (حضور، تابستان ۸۸: ۲۴۳). پیوند با افغان ها، از طریق کمک به ایجاد، و پشتیبانی از گروه های مجاهد به خصوص شیعیان، همچنین پذیرش مهاجران تداوم یافت، اما در روند سیاسی پس از رفع اشغال، پیوندها به سطح بازیگر دولتی توسعه نیافت. با این حال، شیعیان، به ویژه حزب وحدت اسلامی را می توان گره پیوندی ایران در حوزه ژئوپلیتیکی افغانستان، و از گره های اصلی شبکه منطقه ای ایران محسوب کرد (خواتی، تابستان ۹۰).

با تهاجم عراق به ایران، ظرفیت های ناشی از نارضایتی در ساختار سیاسی، اجتماعی این کشور، به پیوند با دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی کردستان؛ و ایجاد حزب حرکت اسلامی یا حزب الله کردستان در سال ۱۳۶۰ منجر شد (کریمیان، ۱۳۸۱). سپاه بدر نیز از بین شیعیان مخالف صدام، همچنین بعضی از اسرای عراقی، توسط سپاه پاسداران در اوایل جنگ با عراق تشکیل شد تا در دوران پس از جنگ نیز با موجودیت مستقل به مبارزه خود با حکومت بعث

ادامه دهد.^۱ در این بین، هسته پیوندی ایران با سپاه بدر، از عمق راهبردی برخوردار است و به‌نظر می‌رسد که در مسیر توسعه پیوندی در سطح بازیگر دولتی عراق نیز نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

در ژئوپلیتیک دریایی، پس از قدرت‌یابی جریان حوثی‌ها در یمن، ایران توانست یک هسته پیوندی با انصارالله یمن در امتداد آب‌های دریای عمان و اقیانوس هند، در نزدیکی یکی از مهم‌ترین شریان‌های انتقال نفت و تجارت در جهان (تنگه باب‌المندب) ایجاد کند. در حوزه خزر نیز که پس از فروپاشی شوروی، جمهوری‌های نوبنیاد آذربایجان و قزاقستان و ترکمنستان نیز به تأسیس و توسعه نیروی دریایی مستقل پرداختند (شیخ‌الاسلام، ۱۳۹۴: ۲-۱۳۰)، همسویی روسیه و ایران در مخالفت با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، زمینه ایجاد پیوند را فراهم ساخت و اشتراک مواضع در مسائل منطقه‌ای و جهانی، آن را تقویت کرد. در مجموع، می‌توان اعضای سازه ژئوپلیتیکی شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران را متشکل از روسیه و سوریه، حزب‌الله لبنان، سازمان بدر عراق، انصارالله یمن، جهاد اسلامی و حماس ترسیم کرد.

در حوزه ژئواکونومی، منابع انرژی و بازار مصرف، مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد ایران و کدهای پیوند شبکه‌ای این کشورند. در این زمینه، اوپک و مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) حلقه‌های پیوندی ایران در شبکه ژئواکونومی جهانی‌اند. در خصوص بازار مصرف و سرمایه نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه به شرق به‌ویژه چین، به‌تدریج جایگزین غرب‌محوری در ایجاد پیوند ژئواکونومیکی شد. از لحاظ مزیت‌های ارتباطی ناشی از موقعیت جغرافیایی، انتقال انرژی و ترانزیت کالا از کشورهای حوزه خزر، آسیای میانه و قفقاز به بازار مصرف جهانی، تأمین گاز مورد نیاز هند و پاکستان، نیاز هند به ایجاد کریدور ترانزیت کالا به افغانستان از طریق بندر چابهار، و موقعیت ایران در ابرپروژه جاده ابریشم چین، از جمله کدهای عملیاتی ایران در شبکه ژئواکونومی جهانی‌اند. مزیت‌های ایران در این شبکه، پدیده‌ای ذاتی و تاریخی است و نه تحمیلی و مقطعی (مینایی، ۱۳۸۴)، اما اقدامات بازدارنده رقبای شبکه‌ای، مانع اصلی در بهره‌برداری از فرصت‌های پیوندسازی ایران بوده است.

در حوزه ژئوکالچری، هویت دینی در بستر تعارض تاریخی شیعه-سنی در جهان اسلام، با راهبرد وحدت اسلامی مطرح شد. در این زمینه، موضوع فلسطین، از مهم‌ترین کدهای پیوندی است که آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح مبانی آن گفتند: «ما اسیر محدودیت‌های مذهبی نشدیم؛ ما نگفتیم این شیعه است، این سنی است. ما نگاه کردیم به آن هدف اصلی و کمک کردیم و توانستیم مشت برادران فلسطینی‌مان را در غزه و در مناطق دیگر تقویت کنیم»

۱. سپاه بدر چگونه شکل گرفت. خبرگزاری دفاع مقدس. <http://defapress.ir>

(farsi.khamenei.ir). اقبال مسلمانان به راهپیمایی دفاع از قدس در آخرین جمعه ماه رمضان، همچنین توسعه نفوذ در گروه‌های سنی مذهب مقاومت فلسطین، از نتایج پیوندهای ژئوکالچری است.

در مجموع، گستره جغرافیایی شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران، حاکی از توفیق در عملیاتی کردن کدهای ژئوکالچری و ژئواکونومی است، اما فشارهای پایدار سیستمی در شبکه ژئواکونومی، مانع از پیوندسازی مطلوب در این حوزه شده است.

۲. ۲. ۶. انسجام بخشی خوشه‌ها در شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران

تشدید فشارهای بازدارنده سیستمی در مراحل تکامل شبکه‌ای، واحدهایی را که به هم پیوندی بیشتری دارند، به تحکیم پیوندها و انسجام بخشی در خوشه‌های شبکه هدایت می‌کند. تمایل صدام حسین به ایجاد پیوند ژئوپلیتیک با ایران در آستانه حمله آمریکا به عراق، جایگاهی در راهبرد شبکه‌سازی ایران نداشت، اما بحران داعش، فراتر از موجودیت شیعیان، تمامیت ارضی عراق را تهدید کرده و خطوط پیوندی ایران را فراتر از سازمان بدر، در سطح بازیگر دولتی عراق تقویت کرد و حضور مستشاری-عملیاتی ایران در عراق و سوریه، انسجام خوشه باختری و شامات را تحکیم بخشید.^۱ در خوشه شامات، تشدید فشارها علیه حزب الله در جنگ ۳۳ روزه، جایگاه آن در ساختار سیاسی لبنان و در سازه پیوندی با سوریه تقویت را کرد و جنگ ۲۲ روزه غزه نیز درک مشترک بازیگران هم پیوند از تهدید را، تقویت کرد.^۲ در همین زمینه و در واکنش به برنامه معامله قرن، اسمائیل هنیئه نامه‌ای به رهبر انقلاب ایران نوشت که مضمون آن، تأکید حماس بر محوریت ایران همچنین تقویت پیوند با حزب الله، در محور مقاومت تلقی می‌شود (farsi.khamenei.ir). پیوند ژئوکالچری شیعیان یمن با ایران (دارا و بابایی، ۱۳۹۴) نیز با قدرت‌یابی انصارالله، به حوزه ژئوپلیتیک گسترش یافت و تهاجم ائتلاف سعودی، آن را تقویت کرد. حمایت آشکار حزب الله لبنان از شیعیان یمن نیز در راستای تحکیم پیوند بین خوشه‌ای در شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران، و امتداد گفتمان مقاومت از شرق مدیترانه تا جنوب خلیج فارس تبیین می‌شود. در سطح جهانی نیز به دنبال تشدید فشارهای آمریکا علیه

۱. کیسینجر گفته بود اگر پایگاه‌های قدرت داعش به اشغال سپاه پاسداران یا شبه‌نظامیان تحت فرمان آن درآمد، کمربند نفوذ ایران از تهران تا بغداد و دمشق و بیروت کشیده خواهد شد و نتیجه اینها، احیای امپراتوری ایران است. (farsnews.com/96/11/5)

۲. نصرالله در سالگرد جنگ ۲۲ روزه گفت: امروز نه حماس و نه جهاد اسلامی و نه گروه‌های مقاومت، که فرهنگ و عقیده مقاومت در غزه و ملت مقاوم هدف قرار گرفته است (عزم راسخ مقاومت اسلامی لبنان برای حمایت از مقاومت فلسطین). (https://www.isna.ir.93/5/4)

روسیه، و ولادیمیر پوتین در دیدار با رهبر انقلاب اسلامی، ایران را شریکی استراتژیک، با قابلیت‌های گسترش همکاری‌های دفاعی دانست و آیت‌الله خامنه‌ای نیز گفتند که می‌توان با روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ درباره کارهای بزرگ، صحبت و همکاری منطقی کرد (farsi.khamenei.ir).

به‌طور کلی، فشارهای سیستمی، موجب به هم پیوندی گره‌ها و خوشه‌ها در راستای تکامل شبکه‌سازی ایران در سطح منطقه و جهان شده است.

۳. ۲. ۶. ثبات‌سازی شبکه‌ای و بازدارندگی در شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران

پیوندسازی و انسجام خوشه‌ها، در راستای ثبات سازی در شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران انجام گرفته و این امر، در مواجهه با تهدیدهای رقبای شبکه‌ای، بازدارندگی را به الزام سیستمی تبدیل می‌کند. بازدارندگی ناظر بر تعامل تنبیهی بین دو بازیگر در صورت شکل‌گیری رفتار نامطلوب است. جیمز دوئرتی، بازدارندگی را، متقاعد کردن حریف به اینکه هزینه‌ها و خطرهای خط‌مشی احتمالی او از منافع آن بیشتر است، می‌داند (دوئرتی، ۱۳۸۴: ۵۹۶). سیستم‌های بازدارندگی بازیگر مدافع و چالشگر، متناسب با شرایط ساختاری طرفین تنظیم می‌شود. در نظام دوقطبی، بازدارندگی نامتعارف هسته‌ای اعمال شد، اما در سیستم نوین بین‌المللی، آمریکا به‌عنوان مدافع سیستم، در مواجهه با تهدیدات نوین، بازدارندگی متعارف یکجانبه و گسترده را اعمال کرده است. یکجانبه‌ای، ناظر بر روابط قدرت نامتقارن است و گستردگی نیز به دامنه تهدیدهای چالشگر نسبت به طرف سومی اشاره دارد که حفظ آن، از جمله منافع اصلی مدافع است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۹۶). جنگ تمام‌عیار، از مدل‌های بازدارندگی متعارف، علیه صدام پس از اشغال کویت به‌کار رفت، اما پاسخ انعطاف‌پذیر با مدل‌های جنگ محدود و همکاری محدود که با رفتارهای بازدارنده آمریکا علیه ایران انطباق بیشتری دارد، در مواقعی است که مدافع، به انعطاف در رفتار چالشگر باور دارد و نیاز به پاسخ شدیداً تعارضی نمی‌بیند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۹۸-۹۷). بازدارندگی ج.ا.ایران در مراحل مختلف تکامل شبکه منطقه‌ای نیز از بین چهار استراتژی پیش روی هر سیستم، یعنی تهاجمی، دفاعی، اطمینان‌سازی و سازش (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۰۱)، متناسب با محدودیت‌های ساختاری داخلی و سیستم بین‌المللی، همچنین اهداف ماهوی انقلاب اسلامی، اغلب مبتنی بر راهبردهای دفاعی تنظیم شده است.

۳. ۲. ۶. دیپلماسی شبکه‌ای، الگوی بازدارندگی ج.ا.ایران: اصول و الزامات

الگوی کلان دیپلماسی شبکه‌ای، مهم‌ترین مدل راهبرد بازدارندگی دفاعی ج.ا.ایران در شرایط پیچیدگی سیستمی و نظارت شدید قدرت مسلط جهانی است که الزامات عمده آن عبارت‌اند

از: شناسایی عناصر قدرت نرم و سخت و ترکیب آنها در قالب قدرت هوشمند شبکه‌ای، توازن‌سازی تهدیدات از طریق ایجاد شبکه‌های اتحاد و ائتلاف در درون شبکه جامع، طراحی بازدارندگی مثلثی، طراحی جنگ‌های نامتقارن در درون شبکه منطقه‌ای، و در نتیجه تحقق الزامات مذکور، طراحی بازدارندگی متقابل متقارن در برابر رقیب راهبردی (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۵۷-۲۵۴).

قدرت هوشمند شبکه‌ای که از کارکرد نیروهای ژرف در حوزه‌های سه‌گانه شبکه منطقه‌ای حاصل می‌شود، وضعیت نامتوازن ایران در جنگ با عراق را به برتری میدانی تبدیل کرد. در فرایند شبکه‌سازی ج.ا.ایران نیز اقدامات مؤثر و هم‌افزایی مثبت حوزه‌های ژئوکالچری و ژئوپلیتیکی، فرایند ترکیب عناصر قدرت سخت و نرم و ایجاد قدرت هوشمند شبکه‌ای را محقق ساخته است. بر این اساس، در عرصه سیاسی، راهبرد وحدت اسلامی به‌ویژه در موضوع فلسطین، موجب کاهش انزوای جهانی ایران و تقویت مواضع سیاسی آن شد و در عرصه میدانی نیز پشتیبانی از راهبرد وحدت با عناصر قدرت سخت، قدرت هوشمند شبکه‌ای ایران را در شکل‌گیری گروه‌های مقاومت جدید عملیاتی ساخت. تکامل این قابلیت، از عناصر اصلی تدوین و اجرای کنش راهبردی ایران در بحران منطقه‌ای داعش و پشتیبانی از یمن بوده است. نامتقارن بودن، مؤلفه اصلی بازدارندگی در شبکه منطقه‌ای ایران، در سیستم بازدارندگی آمریکا (کالین اس‌گری، ۱۳۸۱: ۱۸۱-۱۸۰) و توصیف جنگ آینده (حبیبی، ۱۳۸۶) مورد تأکید قرار گرفته است. تعریف جنگ نامتقارن، بر ناهمترایی فناوری و توانایی‌های نظامی طرف‌های درگیر، و تفاوت در روش‌های جنگی استوار است (الیاسی، ۱۳۸۲: ۲؛ صفوی، ۱۳۸۷)، از ابتدای حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، ایران با انتخاب راهبرد نبرد نامتقارن، به اصلاح سازمان، ساختار، تجهیزات و آموزش نیروی انسانی پرداخت و سپاه پاسداران، دکترین مربوط را بر محور عناصر مادی و معنوی طراحی کرد (محمدی الموتی، ۱۳۸۸). علاوه بر این، آموزش حزب‌الله و حماس نیز از محورهای عملیاتی نبرد نامتقارن ج.ا.ایران ذکر شده است.^۱

توازن‌سازی از طریق ائتلاف‌ها و اتحادها، در سطح منطقه‌ای با ائتلاف ایران و سوریه (از اوایل جنگ با عراق) مسیر حمایت میدانی از بازیگران غیردولتی در بحران فلسطین و ایجاد موازنه تهدید را هموار ساخت. توسعه این ائتلاف در جریان بحران داعش و پیروزی بازیگران عراقی، سوری و یمنی متحد ایران در این کشورها، موازنه مذکور را در سطح شبکه منطقه‌ای تقویت کرد. در سطح جهانی نیز حمایت چین از عضویت ایران در پیمان شانگهای، نقش آفرینی در جاده ابریشم، همچنین برنامه‌های مشارکت هند، پاکستان و آسیای مرکزی در

۱. گزارش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی آمریکا (CSIS) درباره جنگ نامتقارن در منطقه، ۱۳۹۰/۱/۴.

پروژه‌های بهره‌برداری و انتقال نفت و گاز، نوعی موازنه‌سازی در حوزه ژئواکونومی محسوب می‌شود. مشارکت با روسیه در بحران سوریه نیز موازنه قدرت ژئوپلیتیکی را به نفع ایران تغییر داد و نتایج این ائتلاف، قدرت بازدارندگی دو چالشگر منطقه‌ای و جهانی را افزایش داده است.^۱

بازدارندگی مثلثی توسط چالشگر علیه کشورهایی که تهدید آنها به منزله تهدید منافع و امنیت مدافع تلقی می‌شود، ضمن خنثی‌سازی تهدیدات احتمالی بازیگر مدافع، کشورهای مورد هدف را نیز در همراهی با قدرت مداخله‌گر به اندیشه وامی‌دارد (قاسمی، ۱۳۸۸: ۸۹). در این زمینه، ایران موجودیت جغرافیایی اسرائیل را بر پایه آسیب‌پذیری موشکی آن، هدف قرار داده و در این زمینه، آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: «تمام آن کسانی که تهدید به حملات نظامی می‌کنند به‌ویژه اسرائیل بدانند که اگر غلطی از آنها سر بزند ایران تل‌آویو و حیفا را با خاک یکسان می‌کند» (farsi.khamenei.ir). همچنین، شبکه ارتباطات منطقه‌ای شامل گروه‌های شبه‌نظامی در عراق، لبنان، یمن و افغانستان نیز می‌توانند به‌عنوان مؤلفه قدرت ایران در اعمال راهبرد مثلثی مورد توجه قرار گیرند.

۴. ۶. الگوی دفاعی - تهاجمی در دیپلماسی شبکه‌ای و مکانیسم‌های آن

بازدارندگی دفاعی واحدهای تجدیدنظرطلب، در الگوی نظم سیستمی معکوس و بی‌ساختار، ابعاد تهاجمی نیز به خود می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۶۲) که از مکانیسم‌های آن، ایجاد اختلال در شبکه‌های منطقه‌ای و پایگاه‌سازی است (قاسمی، ۱۳۸۶). صعود چالشگرانه روسیه و چین در چرخه جهانی قدرت؛ تحولات روابط اقتصادی-سیاسی آمریکا با اروپا؛ و حرکت ایران به سمت موازنه منطقه‌ای از نشانه‌های الگوی نظم معکوس و بی‌ساختار است. قابلیت ایران برای اعمال مکانیسم‌های الگوی تهاجمی دیپلماسی شبکه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته است.^۲

پیروزی انقلاب اسلامی، خود، اختلال در شبکه امنیت منطقه‌ای آمریکا بود، با وجود این، تسلط ژئوپلیتیکی بر تنگه هرمز و توان اختلال در شبکه ژئواکونومی، از مباحث اصلی در ارزیابی پیامدهای هرگونه رویارویی مستقیم آمریکا با ایران است. سخنان رئیس‌جمهور ایران در پاسخ به تهدید مسدودسازی صادرات نفت ایران توسط آمریکا نیز حاکی از اعتبار این اقدام

۱. اندیشکده امریکن اینتر پرایز در گزارشی در مورد قدرت نظامی ایران آورده است که آمریکا باید به‌شدت برای دور کردن روسیه از کمک به ایران و مبدل کردن این کشور به قدرت نظامی متعارف منطقه‌ای تلاش کند.

(<http://kayhan.ir/fa>. ۱۳۹۵/۹/۴)

۲. گزارش اندیشکده امریکن اینتر پرایز در خصوص توان نظامی ایران، شکل‌دهی مجدد ساختار فرماندهی نظامی برای افزایش قابلیت‌ها در سرتاسر خاورمیانه را بیانگر نیات ایران برای حرکت از موضع تدافعی تاریخی به سمت نقش فعال‌تر دانسته و چالش جدید علیه متحدان و منافع منطقه‌ای آمریکا تلقی کرده است (<http://kayhan.ir.95/9/4>).

بازدارنده است ([/fa.euronews.com/2018/07/03](http://fa.euronews.com/2018/07/03)). فرصت ایران برای ایجاد پایگاه نظامی در سوریه و اقدام پیشدستانه اسرائیل در حمله هوایی به برخی مقرهای نظامی در سوریه نیز معطوف به الگوی تهاجمی ایران است. با وجود این، ایران با درک شرایط موجود، و پرهیز از پاسخ انفعالی، حضور در سوریه را، در بسترهای قانونی تبیین کرده است. در همین زمینه، بشار اسد اعلام کرد که هیچ مانعی بر سر وجود پایگاه‌های ایران در سوریه وجود ندارد و اگر احساس نیاز کنیم، در این زمینه تردیدی به خود راه نخواهیم داد ([://fa.alalam.ir.361793.97/5/20](http://fa.alalam.ir.361793.97/5/20)).

در مجموع، راهبردهای بازدارنده الگوی دیپلماسی شبکه‌ای، به توازن شبکه‌ای در وضعیت نامتقارن منجر می‌شود. مقابله با تهدیدهای مراحل تکامل شبکه‌ای در یک حوزه، با توجه به پدیده هم‌افزایی شبکه‌ای، می‌تواند برخی ناکارکردی‌های شبکه‌ای را پوشش دهد و با تقویت کارایی دیگر حوزه‌ها، در نهایت، موجب موازنه در شبکه جامع شود.

نتیجه‌گیری

پویایی قدرت در سیستم بین‌المللی و ناهمزمانی رشد کشورها، چرخه قدرتی ایجاد می‌کند که ارتباط مستقیم با نقش‌یابی بازیگران دارد. دینامیک مربوط در ادوار مختلف تاریخ ایران نیز جریان داشت و سرانجام با تثبیت هژمونی جهانی انگلیس و سپس حاکمیت نظام دوقطبی، نقش سیستمی ایران تحت مدیریت کارگزاران چرخه جهانی قدرت قرار گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران، استقلال در فرایند نقش‌یابی را پیش گرفت. در این زمینه، شبکه‌سازی که با ویژگی‌های سیستم‌های پیچیده و آشوبی در شرایط نوین سازگار بوده، از مهم‌ترین راهبردهای نقش‌یابی است. شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران در مراحل تکامل خود، عرصه بازدارندگی متقابل سیستمی بوده و حوزه اقتصادی، بیشترین تأثیرات بازدارنده آمریکا را تجربه کرده است، اما در حوزه ژئوکالچری، ایران با راهبرد وحدت، امکانات خود برای شبکه‌سازی در خوشه‌های تسنن و تشیع را عملیاتی کرد و در حوزه ژئوپلیتیک نیز فشارهای سیستمی در مناقشات منطقه‌ای، فرصت‌های تکامل شبکه‌ای و تقویت بازدارندگی فراهم آورد. بازدارندگی ج.ا.ایران در شرایط نامتقارن، از نوع تدافعی و بر مبنای الگوی دیپلماسی شبکه‌ای و مکانیسم‌های آن تبیین می‌شود. از جمله، ائتلاف با روسیه که جلوه‌های تداخل دینامیک‌های چرخه جهانی و منطقه‌ای در مراحل تکامل شبکه منطقه‌ای ج.ا.ایران بوده و در مجموع، با تقویت موازنه در شبکه ژئوپلیتیک و هم‌افزایی مثبت شبکه‌ای، جایگاه ایران را در منطقه ارتقا داده است. این امر خواهد توانست موانع سیاسی شبکه‌سازی در حوزه ژئواکونومی را کاهش

دهد در نهایت با ایجاد توازن و ثبات‌سازی در شبکه جامع منطقه‌ای، به تثبیت نقش اعلامی ج.ا.ایران و دستیابی به آن در سیستم جهانی و منطقه‌ای منجر شود.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

۱. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی، سید عباس (۱۳۸۸). «تبیین ژئوپلیتیکی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان»، فصلنامه شیعه‌شناسی، ۲۵، سال هفتم. ص ۷۳-۱۰۹
۲. دوثرتی، جیمز (۱۳۸۴). «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل؛ ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
۳. شیخ‌الاسلام، محمدحسین (۱۳۹۴). «تأثیر نظامی کردن حوزه دریای خزر بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۸۹، ص ۱۲۵-۱۵۸.
۳. علی‌نژاد، محمد؛ کریمان، عادل (۱۳۹۵). «ایران در شاخص‌های مختلف چه جایگاهی دارد»، تجارت فردا، شماره ۱۹۸. www.tejaratefarda.com
۴. فایضی، محمدحسین (۱۳۹۶). «معرفی گروه‌های نظامی جریان مقاومت فلسطین»، اندیشکده راهبردی تبیین، مجموعه مقالات، تیرماه ۹۶. <http://tabyincenter.ir>
۵. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۳). «نظریه‌های روابط بین‌الملل، ساینرنتیک و سیاست خارجی، تهران: میزان.
۶. ----- (۱۳۹۰). «نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: میزان.
۷. ----- (۱۳۹۶). «نظریه پیچیدگی و آشوب: چرخشی نوین در تبیین تکامل شبکه‌های منطقه‌ای»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴، ص ۱۰۰۵-۱۰۲۴
۸. ----- (۱۳۸۶). «نگرشی تئوریک بر طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱، ۹۷-۱۲۷
۹. ----- (۱۳۸۴). «ساخت ژئوپلیتیکی سیستم بین‌الملل نوین و استراتژی نظامی امنیتی ایالات متحده آمریکا»، ژئوپلیتیک، ۲، ۷۱-۹۵.
۱۰. کریمان، کامیل (۱۳۸۱). «مناسبات ایران با کردهای عراق در طول هشت سال جنگ»، نگین ایران، ۲، ص ۹۸-۱۰۸

ب) خارجی

11. Auyang, S. Y. (1999). **Foundations of complex-system theories: in economics, evolutionary biology, and statistical physics**, Cambridge University Press.
12. Burian, R. M., & Richardson, R. C. (1996). "Form and order in evolutionary biology"
13. De Greene, K. (1996) "Field-theoretic framework for the interpretation of the evolution, instability, structural change, and management of complex systems. **Chaos Theory in the social sciences: Foundations and applications**, The University of Michigan Press, 1996, pp. 273-294.
14. Doran, C. (2000). "Confronting the Principles of the Power Cycle", **Handbook of War Studies II**. 332-370. University of Michigan Press
15. Doran, C. F. (1989). "Systemic Disequilibrium, Foreign Policy Role, and the Power Cycle Challenges for Research Design", **Journal of Conflict Resolution**, 33(3).pp371-401
16. Doran, C. F. (1991). **Systems in Crisis: New Imperatives of High Politics at Century's End** Cambridge University Press.
17. Doran, C. F., & Parsons, W. (1980). "War and the cycle of relative power", **American Political Science Review**, 74 (04), 947-965.
18. Feistel, R., & Ebeling, W. (1989). "Evolution of complex systems: self-organization, entropy, and development, Vol. 30, Springer.
19. Gilpin, R. (1988). "The theory of hegemonic war", **Journal of Interdisciplinary History**. 18.4 : 591-613.

20. Goldstein, J. S. (1988). **Long cycles: Prosperity and war in the modern age**, Yale University Press.
21. Harnisch, S. Frank, C., & Maull, H. W. (2011). **Role theory in international relations**. Taylor & Francis.
22. Maull, H. W., Frank, C., & Harnisch, S. (Eds.). (2011). **Role Theory in International Relations: Approaches and Analyses**. Routledge
23. Hart, Jeffry (1976). "Three approaches to the measurement of power in international relation", **International Organization**, Vol. 30, No. 2, pp. 289-30
24. Holsti. K. J. (1970). "National Role Conceptions in the Study of Foreign Policy", **International Studies Quarterly**, Vol. 14, No. 3.
25. Holsti. Ole (1992), "R. Public Opinion and Foreign Policy: Challenges to the Almond-Lippmann Consensus Merston Series: Research Programs and Debates" **International Studies Quarterly** 36, P440)
26. Kavalski, E. (2007). "The fifth debate and the emergence of complex international relations theory: notes on the application of complexity theory to the study of international life", **Cambridge Review of International Affairs**, 20(3), pp435-454
27. Kavalski, E. (2015). **World politics at the edge of chaos: Reflections on complexity and global life**. SUNY Press.
28. Krotz Ulrich (2002) "National Role Conceptions and Foreign Policies: France and Germany" **CES Germany & Europe Working Papers, No. 02.4, 2002**.
29. Lahneman. William. J. (2003). "Changing Power Cycle and Foreign Policy Role-Power Realignment: Asia Europe and North America" **international political science review**, Vol. 24, No 1.
30. Lemke, D. (2002). **Regions of war and peace**, Cambridge University Press, Vol. 80.
31. Lemke, D., & Werner, S. (1996). "Power parity, commitment to change, and war", **International Studies Quarterly**.
32. Modelski, G., & Morgan, P. M. (1985). "Understanding global war", **Journal of Conflict Resolution**, 29(3), pp391-417
33. Modelski G. "The Evolution of Global Politics". **International Studies Quarterly** (1996) 40, pp321-342
34. Nye, Joseph S. (2004). **Power in the global information age from realism to globalization**, Routledge
35. Organski, A. F. (1958). "World politics", Knopf.
36. Organski, A. F., & Kugler, J. (1981). **The war ledger**, University of Chicago Press.
37. Rashed, Mazin Faris (1995). "The Concept of Power in International Relations", **Pakistan Horizon**, Vol. 48, No. 1, pp95-99
38. Thies, Cameron G (2009). **Role theory and foreign policy**, Iowa city.
39. Walker, S. G. (1987). "Role theory and foreign policy analysis"
40. Wallerstein, I. (1979). **The capitalist world-economy**, Cambridge University Press, Vol. 2.
41. Wallerstein, I. (2011). "The modern world-system I: capitalist agriculture and the origins of the European world-economy in the sixteenth century, with a new prologue, Vol. 1, Univ of California Press.
42. Yoon Young-Kwan (2003). "Power Cycle Theory and Practice of International Relations", **International political science review**, Vol. 24, No.1, pp5-12

ج) منابع اینترنتی

43. www.globalfirepower.com
44. <http://www.businessinsider.com>
45. <https://www.mashreghnews.ir>
46. <http://statisticstimes.com>
47. <http://fa.alalam.ir>
48. <http://farsi.khamenei.ir/>
49. <http://defapress.ir> سپاه بدر چگونه شکل گرفت. خبرگزاری دفاع مقدس
50. <https://www.farsnews.com> (جنگ نامتقارن، راهبرد ایران برای تضعیف توان نظامی آمریکا در منطقه، ۱۳۹۰/۱/۴)